

# فرهنگ و تاریخ

- سیرای در زندگی شیخ شامل
- تاریخ چهل ساله جبهه ملی
- جامعه ایران و ورود تفکر جدید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

سپییری در زندگی

## شیخ شامل

### رهبر نهضت اسلامی داغستان

اشاره . در نگارش این شرح حال عمدتاً دو منبع، مورد استفاده قرار گرفته که در پایان مطلب به آنها اشاره شده است .

۱ . Gimri .

شیخ شامل از قوم «آوار» بود و در روستای کوهستانی گمیری<sup>۱</sup> واقع در شمال شرق داغستان در سال ۱۲۱۲ق/ ۱۷۹۷م به دنیا آمد. پدرش عبدالعزیز گذشته از شغل زراعت از علم طب نیز سررشته داشت. شیخ شامل از جوانی به تقوا و اعتقاد راسخ به دین اسلام و همچنین تاب و توان فوق العاده جسمی، که حتی در میان طوایف سخت جان داغستان نیز شاخص بود، معروفیت داشت.

خواندن و نوشتن و علوم اسلامی را در نوجوانی در ولایت خود داغستان، که مهمترین مرکز علمی و فرهنگی اسلامی در آن دوره بود فرا گرفت.<sup>۲</sup> شامل از همان جوانی تحت تأثیر مواعظ قاضی ملامحمد\* که در داغستان پیروان فراوانی داشت و طریقت نقشبندیه توسط شیخ منصور آشورمه ای\*\* (قرن ۱۸م) در اواسط قرن دوازدهم هجری در آن سامان، شیوع یافت. فتوحات روسیه در قفقاز با گسترش این مسلک

۲ . در آن زمان تعداد زیادی از چچن ها برای فراگیری علوم اسلامی به داغستان می رفتند و به همین دلیل بود که آنها از قیام شامل فعالانه حمایت می کردند.  
ر. ک. به: شیرین آکینز. اقوام مسلمان اتحاد شوروی ترجمه علی خزاعی فر، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۴.

\* رهبر و نخستین «امام» جنبش اسلامی داغستان که به بسیج و سازماندهی مردم آن سامان علیه اشغالگران روسی پرداخت.  
\*\* رهبر جنبش اسلامی داغستان علیه اشغالگران روسی و مروج طریقت نقشبندیه در آن منطقه.

۳. برای اطلاع از تعالیم  
نقشبندیه ر.ک به:  
خواجه محمد پارسای  
بخارایی، قدسیه، تهران،  
طهوری، ۱۳۵۴ (مقدمه)

۴. Tarku

۵. Kizliar

۶. Vladikafkas

همزمان شد. ۳ بنابراین مقاومت برضد مهاجمان خارجی به نوعی غزوه یا «جهاد مقدس» علیه کفار روس تبدیل گردید.

قاضی محمد و شیخ شامل به بسیج و سازماندهی مردم داغستان علیه اشغالگران روسی پرداختند. در مدت کمی شورش و طغیان سراسر داغستان را فرا گرفت و قاضی ملامحمد در مقام «امام» به عنوان رهبر نهضت مقاومت انتخاب شد. او به کمک نیروهای رزمنده خود که مطیع و سرسپرده محض وی بودند به پایگاه‌های نظامی روس‌ها و متحدان بومی آنها حمله برد.

در سال ۱۲۴۶ ق/ ۱۸۳۰ م قاضی ملامحمد به همراه شامل به «خونزاق» مرکز آوارستان، حمله بردند اما شکست خوردند. مقاومت حاجی مراد\* (۱۲۲۸ - ۱۲۶۸ ق) - از بیگ‌های قوم آوار - نقش مهمی در شکست آنها داشت. در همان سال ملامحمد و شیخ شامل به ترقو (تارخو)<sup>۴</sup> که موضع مهمی در کنار دریای خزر بود حمله بردند اما در مقابل انبوه نیروهای نظامی روسیه عقب نشینی کردند. در ذیحجه ۱۲۴۷ ق/ مه ۱۸۳۱ م، ترقو مجدداً اشغال گردید و «در بند» و «قزلیار»<sup>۵</sup> محاصره شد اما زمستان مانع اقدامات قوای اعزامی روسیه گردید. در ۱۲۴۸ ق/ ۱۸۳۲ م، هنگامی که ملامحمد و شامل در نزدیکی «ولادی قفقاز»<sup>۶</sup> بودند روس‌ها به فرماندهی ژنرال «فن رزن» به چچنستان و آوارستان حمله کردند. در این نبرد قاضی ملامحمد شهید و شامل نیز به سختی مجروح گردید اما موفق به فرار شد.

پس از قاضی ملّا محمد، حمزه بیگ\*\* (۱۲۵۰ - ) به جانشینی او برگزیده شد و پس از شهادت او در جمادی الاول ۱۲۵۰ ق/ سپتامبر ۱۸۳۴ م، شامل به مقام «امامت» رسید و فرمانده نیروهای مسلمان داغستان گردید.

\* از خوانین مبارز داغستان و نایب شیخ شامل.

\*\* دومین «امام» داغستان پس از قاضی ملامحمد که توسط برادر حاجی مراد به قتل رسید.

موقعی که شامل به عنوان «امام» انتخاب شد در وضع بسیار دشواری بسر می برد. حاجی مراد، حاکم آوارستان که از نیرومندی و چالاکی رقیب تازه خود نیک آگاه بود از تزار روس یاری خواست و روس ها این خواهش او را با گشاده رویی پذیرفتند و به زودی قوای امدادی روس به خونزاق رسید. مبالغ هنگفتی که در میان داغستانی ها توزیع می شد، روز به روز بر شمار دشمنان شیخ می افزود. از این رو شامل خود را ناگزیر از حمله به خونزاق دید. موقعی که شامل در حوالی خونزاق بود «ژنرال فزه»<sup>۷</sup>، با واحدی که ۱۲۰۰۰ توپچی آنرا پشتیبانی می کردند از طرف شرق و طریق دربند وارد آوارستان شد (۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۷ م). از سوی شمال نیز، «ژنرال ایولیچ»<sup>۸</sup>، وارد داغستان شد و «آشلته»<sup>۹</sup> را که در غرب گمری بود تهدید کرد. شامل نیز بی درنگ دست از محاصره خونزاق برداشت. و ناگزیر به پل آشلته حمله برد. ایولیچ در این حمله کشته شد و شامل از آنجا عازم جنوب گشت، از کنار خونزاق گذشت و وارد روستای «تلتل»<sup>۱۰</sup> شد و در این محل قوای روس به فرماندهی سرهنگ «بوچکیف» را که ژنرال فزه مستقر ساخته بود از میان برد. در همین اثنا، ژنرال فزه، آشلته را که شامل در آنجا به سمت امام برگزیده شده بود، تصرف کرد و قتل عام بزرگی به راه انداخت و به تلتل حمله ور شد. جنگی که در این محل جریان داشت به نتیجه قطعی نرسید و فزه پس از عقد قرارداد متارکه با شامل به خونزاق عقب نشست.

Fes e . ۷

Ivelich . ۸

Asilta . ۹

Tilitl . ۱۰

ژنرال فزه در گزارش خود به تزار روس به این مناسبت می نویسد که به قصد رفع خطر و تسلط بر اوضاع، با شیخ شامل قرارداد متارکه بسته و شیخ ضمن این معاهده، نسبت به تزار روس سوگند وفاداری خورده است. نه تنها این ادعا کاملاً دروغ است بلکه در این هنگام مسلماً تلتل، آشلته و «آخولغو»<sup>۱۱</sup> در تصرف شامل بود و در سایه این موفقیت، بسیاری از قبایل قفقاز که بیطرف بودند و یا با گرفتن پول از روس ها از آنان طرفداری می کردند، به او پیوسته بودند. در این هنگام تمام چچنستان نیز به اطاعت شامل درآمده بود. تزار روس، نیکلای اول (۱۸۲۵ - ۱۸۵۵ م)

Aknulgo . ۱۱

که گزارش های دروغین ژنرالهای خود را باور کرده بود تصمیم گرفت شخصاً به قفقاز برود و در مراسم بارعام بزرگی که شامل نیز حضور خواهد داشت مراتب اطاعت قفقاز را بپذیرد.

به دنبال تصمیم تزار، حکومت قفقاز روس که نگران شده بود در صدد برآمد تا به میانجی گری «بیگ قره نای<sup>۱۲</sup>» از بیگ های داغستان - شامل را اغفال کند. در ۱۱ محرم ۱۲۵۳ ق/ ۱۸ سپتامبر ۱۸۳۷ م، شامل و «فُن کلوگناتو<sup>۱۳</sup>»، ژنرال روسی اتریشی تبار، با هم دیدار کردند اما به هیچگونه تفاهمی نرسیدند. ژنرال بعد از این دیدار در نامه ای که به گمری فرستاده مکرراً از شامل خواهش کرد که در تفلیس با تزار ملاقات کند ولی شامل تقاضای او را به شدت رد کرد و در پاسخ یکی از نامه های او نوشت: «از راقم گنهکار این نامه، شامل، که توکلش به خداست، باید به شما بگویم که بالاخره تصمیم گرفته ام حتی اگر تکه تکه ام کنند به تفلیس نیایم، زیرا همانگونه که همه می دانند به کرات عذر و خیانتان را آزموده ام».<sup>۱۴</sup>

Karanay . ۱۲

Klugenav . ۱۳

۱۴ - فیتس روی مک لین،  
شیخ شامل داغستانی،  
ترجمه کاوه بیات، تهران،  
دفتر پژوهشهای فرهنگی،  
۱۳۷۰ ص ۷۳.

در ۲۹ سپتامبر ۱۸۳۷ م/ ۲۸ جمادی الآخر ۱۲۵۳ ق، نیکلا به قفقاز رفت و از ولای قفقاز، منگولیا، گرجستان و کریمه بازدید کرد، اما به داغستان و چچنستان سر نزد و در ۸ اکتبر / ۸ رجب در تفلیس مراسم بارعام بزرگی برپا کرد، اما شامل در آن شرکت نکرد زیرا تزار پس از ورود به تفلیس از مفاد نامه شامل مطلع شده بود.

چون تزار می خواست از وضع واقعی قفقاز آگاه شود ستاد ارتش روس مجبور به طرح نقشه های جدید و جدی تری شد و مقدمات لشکرکشی دیگر روسیه به داغستان با جدیت زیادی فراهم آمد. قرار بر این شد که «ژنرال گرابه<sup>۱۵</sup>»، با مأموریت نابودی قطعی شامل و طرفدارانش با نیروی ۱۵۰۰۰ نفری مرکب از نه گردان، یک دسته مهندسی، پنج واحد قزاق، نیروی پشتیبان محلی و توپچیان صحرایی از سوی شمال به چچنستان حمله کند و نیروی دیگری به نام گروه داغستان که به همان تعداد بود، در جنوب داغستان وارد عمل شود و مسیر علیای رودخانه سمور را زیر اطاعت خود درآورد. نیروی اخیر همراه با واحد دیگری که در کرانه دریای

Grabbe . ۱۵

سیاه استقرار داده شده بودند مانع فرار شامل و طرفدارانش به سمت جنوب می شدند. علاوه بر این قرار بود پادگانهایی که ژنرال فزه پس از لشکرکشی سال ۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۷ م در «خونزاق» و «تمرخان شوره» مستقر ساخته بود با قوای بزرگ روسی مستقر در دربند، همکاری نمایند. به قبایل کوهستانی تابع روس ها نیز فرمان هایی برای شرکت در این لشکرکشی فرستاده شد ولی با این حال بیش از پانصد نفر به روس ها نپیوستند.

تدارک روس ها برای این لشکرکشی بیش از یک سال طول کشید. در این مدت شامل به انواع تدابیر دفاعی دست زد و آخولغو را - که دژی طبیعی بود و بیش از ۱۸۲ متر از رود «قویسو» ارتفاع داشت - پایگاه عملیات خود کرد و حتی الامکان در تحکیم آن محل کوشش نمود و به محض اطلاع از عملیات روس ها به تمام رزمندگان خود که از مدتی پیش آنان را به روستاهای خودشان فرستاده بود دستور داد تا در صفر ۱۲۵۵ ق/ آوریل ۱۸۳۹ م در آخولغو گرد آیند.

در ۱۴ صفر ۱۲۵۵ ق/ اول مه ۱۸۳۹ م قوای روسی مستقر در قلعه «ونساپنایا»<sup>۱۶</sup>، در کنار رودخانه «آقاج» اردو زدند.

ژنرال گرابه بر آن بود که ابتدا به سوی شامل حمله کند و سپس متوجه چچنستان شود، زیرا که این ناحیه با جنگل های انبوه خود در ماههای بهار برای عملیات نظامی مساعد نبود. اما خبرهای رسیده او را بر آن داشت که نخست به چچنستان برود.

وی در ۱۸ ربیع الاول/ ۲ ژوئن از قلعه ونسانپایا عازم داغستان شد. روس ها روستای «ارغوان» را که در ۱۰ کیلومتری شمال آخولغو بود و شیخ شامل آن را سخت مجهز کرده بود پس از نبرد خونین تصرف و ویران کردند و آنگاه در ۱۰ ربیع الآخر/ ۲۴ ژوئن، آخولغو را که افرادش با احتساب سالمندان و زنان و کودکان، حدود ۴۰۰۰ نفر می شد با نیرویی ۱۳۰۰۰ نفری محاصره کردند. پس از دوماه محاصره شدید، شامل در ۱۲ جمادی الآخر/ ۲۴ اوت وارد مذاکرات متارکه جنگ شد. شرایط پیشنهادی گرابه بسیار سنگین بود: شامل بدون هیچ قید و شرطی خود را

به امان او سپرد و پسر دوازده ساله اش (جمال الدین) را به عنوان گروگان نزد روس ها فرستاد. شامل پسرش را نزد روس ها فرستاد ولی پس از چهار روز مذاکره، از تسلیم شدن سر باز زد. بالاخره پس از نبردی سهمگین در ۲۲ جمادی الآخر/ ۳ سپتامبر آخولغو به تصرف روسها درآمد؛ اما شامل از این درگیری - که همسرش نیز در آن کشته شده بود - فرار کرد.

برخلاف باور روس ها در بهار ۱۲۵۶ق/ ۱۸۴۰م تمام چچنستان در حال شورش بود. «ژنرال پولو»<sup>۱۷</sup> که در محاصره آخولغو ابراز وجود کرده بود و سخت بیرحم بود به والی گری چچنستان منصوب شد. چرکس ها<sup>۱۸</sup> در ماههای ذیحجه ۱۲۵۵ق/ فوریه ۱۸۴۰م و محرم ۱۲۵۶ق/ مارس ۱۸۴۰م چهارقلعه روس ها را تسخیر کرده بودند که مایه تشویق و تهییج چچنها شده بود. در این هنگام حاجی مراد در رأس یک گروه ۸۰۰ نفری به خدمت شامل درآمد و قلعه های روسی مستقر در آن حوالی را در وحشت مرگ فرو برد.

شامل در همه ناحیه هایی که به اطاعت درآورده بود «نیابت» هایی ایجاد کرد که مسئولیت هر کدام را یک «نایب» برعهده داشت و هر پنج تای آنها یک «ولایت» تشکیل می دادند و اداره آنها به دست فرماندهی بود که قدرت کامل مادی و روحانی را در خود جمع کرده بود. مشهورترین این فرماندهان حاجی مراد بود. وظیفه نایب، تحصیل مالیات، گردآوری سپاه، اعمال وظایف قضایی و نظارت بر امور شرعی بود. هر روستایک «قاضی» داشت که وظیفه اش آگاه کردن نایب از وقایع بود.

علاوه بر این، قاضی مسئولیت حفظ امنیت را نیز داشت و نیز بخصوص پیامهای رسیده از شامل، نایب و تمام فرماندهان را به آگاهی اهالی روستا می رساند. با کوچکترین اشاره او، روستائیان مجبور بودند در میدان روستا گرد آیند. هر نایب وظیفه داشت برای ۳۰۰ سوار، وسایل معاش و محل استراحت فراهم کند. هر ده خانوار روستا موظف به تأمین یک رزمنده، «مورتازک»، بودند. خانواده این رزمندگان از پرداخت هرگونه مالیاتی معاف می شدند. بدین ترتیب تعداد قوای محلی در

### ۱۷. Pullo

۱۸. نام چرکس یا «سیرکاسی» نام تاتار در ادوار مختلف تاریخی با معانی متفاوت به کار رفته است. چرکس ها از اقوام آدیغه هستند و نام آنها ظاهراً از «کرکتی»، نام یکی از قبایل آدیغه مشتق شده است ...

از قرن سیزدهم میلادی به بعد نام «چرکاس» به کار گرفته شد. بعدها این نام با تغییر به چرکس، عنوان کلی قبایل قفقاز شمالی (از جمله انجاز، ابازی و آست) شد ر.ک. به: شیرین آکینز پیشین ص ۲۸۲.

۱۲۵۹ ق/ ۱۸۴۳ م به ۵۰۰۰ تن رسید. علاوه بر نیروهای ثابت، افراد ذکور ۱۵ تا ۵۰ سال هر روستا موظف به آموزش سوارکاری و استفاده از اسلحه بودند. اینان وظیفه داشتند به هنگام حمله دشمن، شخصاً از خانه خود دفاع نمایند و همچنین جای خالی نیروهای از میان رفته شامل را پر کنند.

واحد برگزیده‌ای همواره «امام» را در میان می‌گرفت که افرادش از متعصب‌ترین دینداران و دلاورترین اشخاص انتخاب می‌شدند. اعتمادی که شامل به این اطرافیان خود داشت بی سابقه بود. چنین اعتمادی به بهای بزرگترین جانبازی‌های آنان حاصل می‌شد. از این محافظان، کسانی که مجرد بودند وظیفه داشتند ازدواج نکنند و آنان که متأهل بودند می‌بایست در مدت انجام وظیفه با خانواده خود کاملاً قطع رابطه کنند، در حفظ شریعت و پرهیزگاری لازم بود سرمشق دیگران باشند و مقدس‌ترین وظیفه شان ترویج نظام شریعت بود.

از افراد این واحد خواسته می‌شد که بدون قید و شرط از شامل اطاعت کنند و کمترین مقاومت در برابر آن کیفر مرگ داشت. آنان تقریباً یک هزار نفر بودند و علاوه بر حق معاش از غنایم نیز سهم می‌بردند. به هر روستا که اعزام می‌شدند اهالی آن موظف بودند به رایگان پذیرایشان کنند و دیگر روستاییان موظف بودند که ضمن تأمین علیق اسبهایشان، اراضی آنها را کشت و حاصلش را درو کنند. اصولاً روستاها از اینکه می‌توانستند محافظان شیخ را پذیرایی کنند احساس سربلندی می‌کردند. از آغاز تا پایان حتی یک تن خائن هم در میان آنان پیدا نشد و همه نیز مرگ در راه امام را افتخار می‌دانستند. مرگ در نظر ایشان راه رسیدن به بهشت بود. علامت مشخصه آنان تکه‌ای کرباس خاکستری رنگ چهارگوش بود که جلوی کلاه پوست بره‌ای شان می‌دوختند و دور این کلاه، دستاری سبز می‌پسچیدند. سربازان لباس زردرنگ و درجه داران جامه مشکی چرکسی می‌پوشیدند و به گروه‌های ۱۰ نفری، ۱۰۰ نفری و ۵۰۰ نفری تقسیم می‌شدند.



نظامی که شیخ شامل ترتیب داد با جنگ چریکی او کاملاً مطابقت و با روحیه کوه نشینان همخوانی داشت. این نوع جنگ به تشکیلات تدارکاتی پیچیده‌ای احتیاج نداشت. افراد خود، خوراک خویش و علق اسبهایشان را تأمین می‌کردند. بنابراین شامل می‌توانست هر موقع که اراده می‌کرد نیروهایش را در اطراف و اکناف پراکنده سازد و از نو احضار کند. وی می‌توانست از مقر فرماندهی خود هر یک از مواضع روسها را که میل داشت در محاصره گیرد. از اینرو هیچیک از عملیاتش قابل پیش بینی نبود. هر لحظه امکان داشت که ناگاه نیروی چشمگیری از سواره نظام مورتازک بر یکی از مواضع روسها غفلتاً یورش برند و پیش از آنکه دشمن فرصت واکنش بیابد در کوهها و جنگلهای اطراف ناپدید شوند.

جنگ افزارهای سپاه شامل از نوع اسلحه ایرانیان یا ترکها بود. در «قویاچی»، که محلی در میان صخره زارهای غرب دریند قفقاز بود، از دیرباز کارگاههای بزرگ اسلحه سازی وجود داشت. درآمد دولت هم از محل غنائیم به دست آمده از غارتها و مالیات (عشر)ی بود که از همه روستاها گرفته می‌شد. شامل که حکومت مذهبی نیرومندی برپا کرده بود به ارتباطات بین نواحی قلمرو خویش اهمیت خاصی می‌داد. در هر روستا به منظور اداره امور پست و ارتباطات، همواره چند رأس از بهترین اسبها آماده بود. چابارها با ارائه اسنادی که به امضای شامل یا یکی از نایب ها رسیده بود از هر گونه تسهیلی استفاده می‌کردند.

تزار روس علیرغم لشکرکشی های متعدد، از اینکه شامل در برقراری حکومت خود توفیق یافته بود دچار هراس شد و از اینرو «چرنیشف»، وزیر جنگ را به قفقاز اعزام کرد. او در بهار ۱۲۵۹ ق/ ۱۸۴۳ م به تفلیس رفت. در این هنگام ژنرال گرابه که از پیروزی خود در آخولغو دل و جرأت یافته بود، تصمیم گرفت با خیر درخشانتری از وزیر جنگ استقبال کند. لذا «دارغه» را که شامل پس از خرابی آخولغو مرکز خود ساخته بود هدف قرار داد. منظور او از این تصمیم، تصرف آن ناحیه و پس از آن، عزیمت به نواحی «غنی آندی» و «گنبد» در مرز چچنستان بود. روز ۳۰ ماه مه با

نیرویی متشکل از ۸۶۰۰ نفر از روستای «گرسل» عزیمت کرد اما با دشواری تمام توانست فقط ۲۵ کیلومتر پیش برود و در همین مسافت، ۱۷۰۰ تن سرباز و ۶۶ افسر خود را از دست داد و ناگزیر به بازگشت شد. گرابه بار دوم دست به حمله زد و باز کاری از پیش نبرد و به تقاضای خود از سمتش برکنار شد. فرماندهی روس به سبب این ناکامی دست از جنگ کشید و برحسب ظاهر از راه مذاکره و گفتگو وارد شد.

«ژنرال ورونزوف»، سرفرمانده سپاه قفقاز بر آن بود که در صورت بی نتیجه ماندن مذاکرات وارد عمل شود و جنگلها را آتش بزند و با ایجاد شبکه جدیدی از راه‌ها، ارتباط شامل را با اطراف قطع کند و با بستن راه آذوقه رسانی، او را به تسلیم وادارد. اما تزار تصمیم دیگری داشت و فرمان داد با یک حمله غافلگیرانه، شامل، اسیر و دارغه ویران شود. براساس این فرمان، ورونزوف پس از تردیدهای فراوان، تصمیم گرفت به دارغه حمله کند و تمام گزارش‌های ارسالی مربوط به جنگ را با عنوان «لشکرکشی آغاز شده به فرمان خصوصی اعلیحضرت ...» شروع می‌کرد. قوای امدادی بزرگی از روسیه آورده شد، بطوری که در قفقاز سپاهی ۱۵۰۰۰۰ نفری از روسها گرد آمد. این سپاه با داغستان که جمعیت کل آن از دوبرابر قوای مهاجم تجاوز نمی‌کرد وارد جنگ می‌شد. ورونزوف در ۲۷ جمادی الاول ۱۲۶۱ ق/ ۳ ژوئن ۱۸۴۵ م به دارغه حمله کرد. افراد سپاه او ۱۸۰۰۰ نفر بودند. بقیه قوا مأمور سد راه ورود آذوقه به قلمرو شامل شده بودند.

طلایه داران سپاه روس با تلفات سنگینی که دادند در ۱۲ رجب ۱۲۶۱ ق/ ۱۸ ژوئیه وارد دارغه شدند، اما شامل این ناحیه را آتش زده و به کوهستان رفته بود. ورونزوف در ۱۹ رجب/ ۲۵ ژوئیه فرمان بازگشت داد. خواسته تزار عملی شده و دارغه ویران گردیده بود. بازگشت برای روس‌ها بسیار گران تمام شد. قوای چریکی شامل، ۳ ژنرال، ۱۹۵ افسر و ۳۴۳۳ نفر سرباز و ۳ عراده توپ روسها را از میان بردند. از اینرو تزار روس پیشنهاد ورونزوف را دایر بر خودداری از حمله مجدد، پذیرفت.



Karl Koch . ۱۹

فرمانده روس این بار تصمیم گرفته بود جنگلهای قفقاز را که اهالی آن ظاهراً با شامل همکاری می کردند، آتش بزنند؛ لذا دستور داد از «ادسا» مقدار زیادی قطران آورند.

«کارل کخ<sup>۱۹</sup>»، جغرافیدان آلمانی که در سالهای دهه ۱۸۴۰ م قفقاز را سیاحت کرده بود و از نقشه فجیع روسها مطلع شده بود، با ارسال اختطاریه ای به حکومت روس، خواهش کرد که از اجرای این نقشه جنون آمیز چشم پوشی شود. در واقع نیازی به این خواهش نیز نبود، زیرا که روس ها از عهده سوزاندن این جنگلها برنیامدند و حریق فقط گیاهان سطحی جنگل را که برگهایش ریخته بود سوزاند و آسیبی به درختان نرساند. گیاهان سوخته نیز در مدتی کمتر از یک سال دوباره به صورت انبوه تری رویدند.

شامل در اوج قدرت خود تصمیم گرفت تا پسرش غازی محمد را به جانشینی خود انتخاب کند. این اقدام موجب رنجش و در نتیجه جدایی مجدد حاجی مراد گردید. بار دیگر حاجی مراد به روس ها پیوست اما مدتی بعد کشته شد.

با اینکه عده زیادی از قوم آوار همراه خان های خود به روس ها پناهنده شده بودند اما شامل همچنان قدرت بزرگی به شمار می آمد؛ بطوری که مدتی بعد از این واقعه با نیرویی مرکب از ۱۴۰۰۰ نفر، از رودخانه «ترک»، در شمال عبور کرد و «قبارطای» را به تصرف درآورد اما نتوانست در آنجا بماند. قصدش این بود که پس از تسلط بر قوم قبارطای، با چرکس ها متحد شود و راه نظامی روس ها بین قفقاز را ببندد. احتمالاً مسأله نپیوستن قوم قبارطای مسلمان به شامل، با خشونت احکام رژیم مذهبی که او می خواست برقرار کند بی ارتباط نبوده است.

داغستان کوچک، نیم قرن بود که با دولت بزرگی جنگ می کرد. روسیه با اینکه تا سال ۱۲۶۹ ق/ ۱۸۵۳ م توانسته بود تمام ارتش خود را در هر جا که می خواست به کار گیرد ولی از عهده شامل برنیامده بود. شروع جنگ کریمه<sup>۲۰</sup> (۱۸۵۳-۱۸۵۶/۱۲۶۹-۱۲۷۲ ق) روسیه را از لحاظ مسأله کل

۲۰. جنگی که میان روسیه با دولتهای عثمانی، فرانسه، انگلیس و ساردنی روی داد و به شکست روسیه و عدم پیشروی آن به جنوب شرقی اروپا انجامید. برای اطلاع بیشتر، ر. ک. به: دائرة المعارف فارسی، جلد ۲، ص ۲۲۱۸.

قفقاز در وضع بسیار خطرناک و دشواری قرار داد. روسیه در این هنگام در سرزمین های داغستان، چچنستان، گرجستان و چرکس ۲۴۰۰۰۰ نفر نیروی نظامی داشت. چنانچه قوای متفق عثمانی، فرانسه و انگلستان از غرب و جنوب دریای سیاه و از طریق ارمنستان حمله می کردند و شامل نیز از سمت شمال شرقی به گرجستان یورش می برد سپاه قفقاز روسیه ضربات مهلکی متحمل می شد. اما چنین نشد و شامل نیز تقصیری نداشت. او از ترك ها مصرانه تقاضای کمک کرد و «عبدی پاشا» با ۴۰۰۰۰ نفر نیروی نظامی، در صفر ۱۲۷۰ق/ نوامبر ۱۸۵۳م به نیروهای روس که در حوالی «بایانجور»<sup>۲۱</sup> به فرماندهی «پرنس اوربلیانی»<sup>۲۲</sup> مستقر شده بودند حمله کرد ولی به سبب رسیدن قوای پشتیبانی روس مجبور به عقب نشینی شد. به همین ترتیب واحد دیگری از قوای ترك که به فرماندهی «سلیم پاشا» به قلعه حوالی «باطوم» حمله برده و آنجا را تصرف کرده بودند پس از مدت کوتاهی ناگزیر، عقب نشستند. شامل نیز که پیش از موقع لزوم، در راه تفلیس، مرکز گرجستان، پیش رفته بود چون نتوانست از متفقان خود کمک بگیرد و قوای خودش نیز ناکافی بود ناچار شد دوباره به داغستان بازگردد. فرانسوی ها که بزرگترین متفق عثمانی در جنگ کریمه بودند و با بیشترین تعداد نیروی زمینی در آن شرکت جسته بودند، نسبت به مسأله آسیا علاقه ای نشان نمی دادند و قادر به درك این واقعیت نبودند که برای بیرون راندن روس ها از قفقاز فداکاری ضرورت دارد. اما انگلیسی ها نیز که حکومت قفقاز را برای امپراتوری خود مسأله ای حیاتی می شمردند قوایشان در حدی نبود که مستقلاً به جبهه روس ها حمله کنند و سه سال بعد هم که قوای کافی گرد آوردند صلح غیرمنتظره مانع نیل آنان به مقاصدشان شد.

Bayancur . ۲۱  
Orbeliani . ۲۲

شامل برای آزادی پسرش جمال الدین که نزد روس ها گروگان بود دو شاهزاده گرجی (آنت چاو چادادزه و اوربلیانی) را که در قصر «زنوندال»<sup>۲۳</sup> واقع در غرب تفلیس به سر می بردند، توسط عوامل خود ربود و در «ودنو»<sup>۲۴</sup> که پس از دارغه مرکز حکومت خویش کرده بود، نگه داشت و به

Zinondal . ۲۳

Vedeno . ۲۴

قصد مبادله آنها با پسرش با حکومت روسیه وارد مذاکره شد.

روس ها جمال الدین را که در ارتش روسیه به مقام سرهنگی رسیده بود به پدرش تحویل دادند. جمال الدین که به آداب و طرز زندگی روسی عادت کرده بود با وجود تلاش های پدر و برادرانش مسلول شد و چندی بعد درگذشت.

روس ها در جنگ کریمه شکست خورده بودند، اما معاهده پاریس که صلح را بین متفقین و روس ها برقرار می ساخت، دارای چنان قدرت و اراده ای نبود که این شکست را به عامل تقویت کننده فعالیت های اقوام آزادی طلب مبدل سازد.

نیکلای اول، تزار روسیه، در اثنای جنگ درگذشت و پسرش الکساندر دوم (۱۸۵۵ - ۱۸۸۱ م) جانشین او شد. وی با تشخیص درست اشتباهات زمان پدرش به اتخاذ تدابیری پرداخت که در سایه آن زخم ناشی از شکست کریمه را با مرهم پیروزی در قفقاز التیام بخشید. یکی از آن تدابیر، انتصاب پرنس «باریاتینسکی<sup>۲۵</sup>» به سرفرماندهی قوای قفقاز بود. باریاتینسکی در جوانی در ارتش روس قفقاز ابراز لیاقت کرده بود. «ژنرال میلیوتین» نیز که به این نواحی آشنایی کامل داشت و چندی پیش در حمله آخولغو در فرماندهی گرابه شرکت جسته بود به ریاست ستاد ارتش او برگزیده شد. به نظر او مهمترین هدف، از میان بردن نهضت اسلامی شامل بود که حربه بسیار مؤثری به شمار می رفت، برای رسیدن به چنین هدفی، ناحیه قلمرو شامل و پیروانش را از سمت جنوب به محاصره ای بی امان درآورد و از این راه موفق شد حمل اسلحه و مهمات قاچاق از ایران و عثمانی را که از دیرباز در جریان بود متوقف کند. وی با توزیع مبالغ هنگفتی موفق شد بسیاری از قبایل ضعیف شده را که در عین شرکت در نهضت اسلامی، دشواری های سالهای طولانی جنگ را به زحمت تحمل می کردند به سوی خود جلب کند.

شامل این اقدام را با تدابیر متقابل پاسخ داد. با نشر اعلامیه ای اظهار داشت که در این ایام پرمخاطره بر هر مسلمان واجب است که در راه

عقیده، تا آخرین قطره خون خود مبارزه کند. با اینکه می دانست تمام تلاشش در مقابل تعداد و تکنیک برتر روس ها، اقدامی نومیدانه بیش نیست، با متانت و جسارتی که ویژه مؤمنان و فرماندهان بزرگ است آماده مقاومت شد. سعی کرد داغستان شمال غربی را با استحکامات شدید در مقابل آوارستان مصون سازد. همچنین دستور داد گنجینه هایشان را در درون صندوق هایی در دریاچه اذان، که در میان کوه های آندی بود، مدفون کنند.

ژنرال میلیوتین، که بعدها به مدت زیادی وزیر جنگ روسیه شد و بنیانگذار ارتش جدید تزاری به شمار آمد، نیروهای خود را به پنج دسته تقسیم کرد: قرار شد دو گروه مستقر در غرب، به چرکستان حمله کنند و سه گروه دیگر با شامل وارد جنگ شوند. تمام سنگینی بر دوش دسته های مستقر در شرق بود. نخستین حمله از شمال آغاز شد و متوجه چچنها بود که تا آن روز با تعصب تمام از استقلال خود دفاع کرده بودند و از دلاورترین و جنگجوترین قبایل قفقاز به شمار می رفتند و علاوه بر آن به اندازه داغستانی ها به جنبش مذهبی وابستگی نداشتند. با وجود این بیش از دو سال (ربیع الاول ۱۲۷۲ تا اواسط ۱۲۷۵ ق/ نوامبر ۱۸۵۶ تا اول ۱۸۵۹ م) طول کشید تا «یودوکیموف»<sup>۲۶</sup> فرمانده جناح چپ روس با قوایی خیلی افزونتر، توانست مقاومت چچنها را درهم شکند.

Yevdokimov . ۲۶

در اثنای این نبردهای فرساینده، شامل شخصاً در شمال غرب ناحیه «سالاتا»<sup>۲۷</sup> جنگید و با حملات پی در پی، قلعه «بُرُنای»<sup>۲۸</sup> را در تنگنا قرار داد اما در برابر برتری روس ها به طرف غرب عقب نشینی کرد و در قلعه ودنو مستقر شد. سقوط چچنستان برای نهضت اسلامی شامل، شکست بزرگی بود. عده بسیار معدودی قیام کردند و «نایب» های شامل را متواری ساختند. بدین سان دیگر مرزهای نهضت شامل، فرو ریخت و داغستان از هر سو به صورت میدان نبرد در آمد. لحظه پایان فرار سیده بود. شامل که دفاع از قلعه ودنورا به پسرش غازی محمد سپرده و ۱۴ نایب و ۷۰۰۰ نفر نیروی برگزیده خود را در اختیار او نهاده بود، شاهد سقوط این قلعه

 Salatav . ۲۷  
 Burtunay . ۲۸



شد. روس‌ها از شعبان ۱۲۷۵ق/مارس ۱۸۹۵م حمله به ودنو را آغاز کردند و غازی محمد تا ۹ رمضان/۱۳ آوریل در برابر آنها مقاومت نمود اما سرانجام از توپخانه روس‌ها شکست خورد. مدافعان قلعه در حال نبرد به کوهستان عقب نشستند، اما سقوط ودنو حسن صداقت و وفاداری اطرافیان را نیز سخت متزلزل کرد.

Gunib . ۲۹

باریاتینسکی از طریق چچنستان عازم «گونیب»<sup>۲۹</sup> شد که آخرین پناهگاه شامل در داغستان بود. این حمله او بیش از یک لشکرکشی، نمایشی را به یاد می‌آورد که نمایندگان قبایل مختلف با شتافتن از چهارسو، برای عرض بندگی ترتیب داده بودند. اما شامل در همین زمان با دشواری‌های فراوان خود را به گونیب رسانده بود. قبایل کوهستانی که روزگاری از او اطاعت می‌کردند اینک هجوم آورده بودند تا واپسین بقایای دارایی رهبرشان را بدون رحم و مروت به یغما برند. شامل در چنین وضعی تک و تنها و پاکباخته به گونیب که هنوز بر شمال داغستان تسلط داشت رسیده بود. خانواده و فرزندان، غازی محمد و محمدشفیع چند روز بعد خود را به او رساندند. در این قلعه چهارصدتن از یاران وفادارش گرد آمدند.

در ۳۰ محرم ۱۲۷۶ق/۳۰ اوت ۱۸۵۹م، روس‌ها به فرماندهی باریاتینسکی به کنار قلعه آمدند. شامل پیشنهاد روس‌ها دایر بر تسلیم را رد کرد و در برابر حملات آنان که از ۴ صفر/۴ سپتامبر شروع شد، نومیدانه به مقاومت پرداخت. اما مقاومت افرادی که تعدادشان بر اثر آتش دشمن نا یکصدتن کاهش یافته بود در مقابل ۱۴ گروهان مجهز روس عملی نبود. شیخ شامل که جان زنان، کودکان و دیگر همراهان را در صورت مقاومت در معرض نابودی می‌دید، به شرط تأمین جان آنان، همراه با دو فرزندش تسلیم شد و شمشیر خود را به نشانه تسلیم تقدیم داشت.

از روزی که غازی ملامحمد و شامل بر ضد روس‌ها اعلان جهاد داده بودند سی سال می‌گذشت. یک هفته بعد در ۴ صفر ۱۲۷۶ق/۳ سپتامبر ۱۸۵۹م، شامل، داغستان را برای همیشه ترک گفت. فرزندش غازی محمد و تعدادی از نایبان و خدمتگزارانش در این سفر همراه او

بودند. همسران و دیگر اعضای خانواده اش بعداً به او ملحق می شدند. تزار الکساندر دوم که طبع آرام و ملایمی داشت فرمان داده بود که در احترام از شیخ شامل به هیچوجه کوتاهی نشود. کالسکه سفری مناسبی در اختیارش گذاردند و مقرر شد در طول راه در منازل مختلف سفر، مهمان حکام و فرمانداران محل باشد. در هر محل گروه کثیری برای دیدن او جمع می شدند.

در «خارکوف» یکی از آجودانهای تزار به استقبالش رفت و اطلاع داد که تزار در آن حوالی به سان دیدن از قشون مشغول است و از حضور شیخ شامل در این مراسم خشنود خواهد شد. سپس از شیخ شامل دعوت کرد تا در کنار او از سواره نظام امپراتوری سان ببیند.

شامل از خارکوف به مسکو برده شد. در آنجا از کاخ کرملین بازدید کرد و در همان شهر با «یرملوف» نیز ملاقات نمود. سپس به «سن پترزبورگ» و پس از مدتی اقامت در آن شهر به شهر کوچک «کالوگا» که در ۱۶۰ کیلومتری جنوب مسکو قرار داشت، رفت. در آنجا عمارت دو طبقه کوچکی در اختیارش گذاشتند. پس از یکی دو هفته نیز خانواده اش به او پیوستند. در باغ عمارت نیز مسجد کوچکی احداث شد که کتابخانه اش را که از قفقاز به همراه آورده بود در یکی از اتاق های منزل جای داد.

شیخ شامل ده سال در کالوگا ماند. گاه برای شرکت در برخی مراسم رسمی به سن پترزبورگ می رفت تا در کاخ زمستانی مهمان تزار باشد یا در سانهای نظامی یا مجالس جشن دربار امپراطوری شرکت کند. گاهی نیز به دیدار حریف دیرینش، باریاتینسکی، می رفت.

در ذیحجه ۱۲۸۶ ق/ مارس ۱۸۷۰ م شیخ شامل که احساس می کرد چیزی از عمرش باقی نمانده است اجازه خواست به مکه رود. اجازه سفر صادر شد و همراه خانواده اش از طریق دریای سیاه به استانبول رفت.

در استانبول سلطان عثمانی با تشریفات کامل از وی استقبال کرد و با او ملاقات نمود. وی در ادامه سفر به مدینه رسید و در آنجا در ۱۱ ذیقعد ۱۲۸۷ ق/ فوریه ۱۸۷۱ م درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.





آوازه و افسانه شیخ شامل پس از سرکوب نهضتش و مرگ او همانند سرنوشتش در ایام حیات، فراز و نشیبهای فراوانی دارد. در حکومت تزاری - چنانکه از پاره‌ای شاهکارهای ادبیات روس همچون «حاجی مراد» «تولستوی»، «قهرمان دوران» «لرمانتوف» و برخی از اشعار پوشکین برمی‌آید - تصور روس‌ها از شیخ شامل، آمیخته با رومان‌تیسیم و تجلیل از شجاعت و پایدردی مردم شمال قفقاز بود. روس‌ها با آنکه پیروزی خود را پیروزی «ترقی و تجدد» تلقی می‌کردند و کسانی مانند «اسکوبلف»<sup>\*</sup> بزرگ کردن نام شامل را خطرناک می‌دانستند<sup>۳۰</sup> اما به طور کلی در خوار و خفیف شمردن دشمن شکست خورده اصراری نداشتند.

بلشویک‌ها در نخستین سالهای حاکمیت خود، به تبعیت از مارکس، که شامل را «آزادیخواه بزرگ» نامیده بود<sup>۳۱</sup>، از او به عنوان مبارز بزرگ ضداستعمار و از نهضتش به عنوان حرکت «دموکراتیک» و ضدفئودالی یاد می‌کردند. در یکی از جلسات «کنگره خلقهای شرق» که در ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م در باکو برگزار گردید، شیخ شامل «مدافع کوه نشینهای فقیر در برابر خانها و عوامل استبداد» توصیف شد. این برداشت به نسبت مثبت، از شامل، تا سالهای بعد از جنگ جهانی دوم ادامه یافت. جنگ جهانی دوم و تهاجم وحشیانه آلمانها به شوروی به احبای ناسیونالیسم روس و بزرگداشت «مفاخر ملی» فراموش شده دوران تزاری میدان داد. انعکاس این تحول و دگرگونی در تاریخنگاری جنگهای قفقاز در قرن سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی، به صورت حمله مستقیم به خصلت اسلامی نهضت مقاومت مردم شمال قفقاز و معرفی این حرکت به عنوان حرکتی «ارتجاعی» بوده است. «میرجعفر باقرآف»، رهبر حزب کمونیست آذربایجان شوروی و کارگزار خاص استالین در قفقاز، در ایجاد چنین تصویر جعلی بیش از هرکس دیگری کوشیده و عنصر اسلامی این

۳۰. اراز محمد سارلی، تاریخ ترکمنستان، ج ۱، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۳.

۳۱. مایکل ریوکیین، حکومت مسکو و مسأله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۸ - ۱۳۹، اسلام در شوروی، تاریخچه مختصری از مسلمین اتحاد شوروی از ۱۹۱۷ تا ۱۹۵۲، [بی‌جا، بی‌نا]، ص ۱۰.

\* ژنرال میخائیل اسکوبلف از سرداران خشن روس بود که در سرکوب نهضت ترکمانان ترکمن‌نژاد نقش مؤثری داشت.

تحولات را وسیله دست امپریالیسم بریتانیا و سیاستهای نفاق افکنانه ایران و عثمانی توصیف کرده است.

پس از مرگ استالین فشار فرهنگی بر مسلمانان شوروی تا اندازه ای کاهش یافت و حماسه های ملی منزلت گذشته را بازیافتند. ۳۲ از جمله در سال ۱۳۳۵ ش/ ۱۹۵۶ م کنفرانسی برای بررسی «مسأله شامل» در مسکو برگزار شد. زمینه تجدید نظر در این مسأله، با سلسله انتقادهای صریح و مستقیم از مقاله باقرآف آغاز شد. مورخان داغستانی برای «اعاده حیثیت» از شیخ شامل تلاش فراوانی مبذول داشتند. با آنکه مقاومت برخی آکادمیسین روس هنوز ادامه داشت ولی نظر آنها دیگر نظر غالب محسوب نمی شد.

۳۲. مایکل ریوکیین، پیشین، ص ۱۳۹.

در تدوین این مقاله از منابع زیر استفاده شده است:

فیتس روی مک لین، شیخ شامل داغستانی، ترجمه کاوه بیات، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۰

فکرت ایشیلتان، «شیخ شامل»، ترجمه علی کاتبی، تحقیقات اسلامی، سال ششم، شماره ۲ و ۱، ۱۳۷۰، ص ۲۳۲-۲۴۸. و نیز ر. ک. به:

ذکر الله محمدی، «شیخ شامل رهبر قیام مردم قفقاز علیه تزارها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۵-۴۹.

و. و. بار تولد، «شیخ شامل»، گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۳۶۶-۳۶۸ حبیب الله ابوالحسن شیرازی، ملیتهای آسیای میانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۶۱-۶۲.

دایرة المعارف فارسی مصاحب (جلد دوم، بخش اول: ش، ل)، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۶، ص ۱۴۳۸.

دایرة المعارف بستانی (عربی)، ص ۳۹۵-۳۹۶.

دایرة المعارف اسلام (ترکی)، جلد ۱۱، ص ۴۶۸-۴۷۴.

دایرة المعارف بریتانیکا (انگلیسی)، جلد ۲۰، ص ۴۵۵.

دایرة المعارف اسلام (اردو)، جلد ۱۱، ص ۶۰۷-۶۰۹.